

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

فرستنده: جهانگیر

ارادل و اوباش اسلامی

سرکوب نسبی جنبش ۲۲ خرداد از جانب جناح مسلط حاکمیت به علت عمق و تداوم این جنبش، خلاف تصور دار و دسته احمدی نژاد موجب تقویت دائمی قشر مافیائی نظامی- امنیتی حاکم نشد. نه تنها این سرکوب و مقاومت عظیم مردم، تضادهای درون حاکمیت را تشدید کرد، بلکه روحیه حاکمیت را نیز تضعیف نمود. آنها به عیان دیدند که توپ و تانک و مسلسل دیگر در میان مردم اثر ندارد چه برسد به حضور لباس شخصی ها در صحنه.

لباس شخصی ها چه کسانی هستند؟

لباس شخصی ها همان ادامه سنت چاقوکشان میدونی بازار هستند که از زمان شعبان بی مخ و طیب رضائی کارشان ادامه دارد، آنها باج گیرند و قوانین و امنیت خود را بر بازار تحمیل می کنند. آنها بر بالای سر قانون قرار دارند و همیشه در دستان حاکمیتها ابزار سرکوب و تحریک و ایجاد رعب و وحشت بوده اند. آنها نخست از مریدان آیت الله کاشانی بودند که توده ای کشی می کردند و در خدمت فدائیان اسلام قمه می کشیدند و نقش مهمی در کودتای ۲۸ مرداد به نفع سلطنت ایفاء کردند. وقتی شعبان بی مخ به تاج بخش ملقب شد و در خدمت دربار این کانون فساد قرار گرفت، بخش بزرگی از این چاقوکشها و قداره بندان در تکایا و مساجد در خدمت روحانیت باقی ماندند تا برای آینده به کار گرفته شوند.

خاصیت “لباس شخصیها” این است که مسؤولیت دولتی ندارند. به قول معروف همان “عوامل خودسر” هستند که نه کسی مسؤولیتشان را به عهده می گیرد و نه خود حاضر به قبول مسؤولیت اند. “لباس شخصیها” ارتش سری حاکمیت هستند که در وراء قوانین عمل می کنند. هر جا که حتی قوانین اسلامی نتوانند بُرش داشته باشند “لباس شخصیها” وارد عمل می شوند. کار آنها غیرقانونی حتی ضد قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این دار و دسته مافیائی تنها برای ایجاد رعب و وحشت ایجاد شده و باید در افکار عمومی ایران و جهان این توهم را ایجاد کند که گویا آنها بخشی از مردمند و شرکتهان در درگیریها ناشی از اختلاف عقاید و یا سلیق با دیگران می باشد. “لباس شخصیها” به انواع و اقسام سلاحهای سبک گرم و سرد مجهزند و در پشت سر آنها یک لشکر تدارکاتی وجود دارد. “لباس شخصی ها” پیشقراولان سرکوب و وحشت اند. این “لباس شخصیها” در آغاز انقلاب به عنوان مامورین کمیته ها عمل می کردند و برای اعمال زور و قلدری و تجاوز و دزدی از آزادی کامل برخوردار بودند.

همه دولتهای پیشین از میرحسین موسوی گرفته تا رفسنجانی و خامنه ای به این چماقداران تحت عناوین حزب الله، انصار حزب الله و... نیاز داشتند، به آنها تکیه کرده و از آنها حمایت کردند. این سازمان سرّی که به موقع به خیابان کشیده می شود سر نخش در دست خامنه ای است.

در تظاهرات اخیر نیز روحانیت مسلط این دسته از گرازها را به میدان فرستاد تا مبارزه مردم را سرکوب و مبارزان را قلع و قمع کنند. این عده با چاقوکشی، قمه کشی، چماقزنی و تیراندازی به میان جمعیت و حملات موج وار و تیغ کشی موجب قتل بسیاری از شرکت کنندگان در تظاهرات آرام مردم شدند. اسارت آنها توسط مردم نیز فایده ای نداشت چون آن مرجع قانونی که آنها را تحویل گرفته و مجازات نماید وجود ندارد. یک آیت الله جنایتکار یک ورقه کاغذ به نام فتوا به آنها داده است که چیز دیگری جز جواز آدم کشی نیست. مبارزه با این "ارتش سرّی" از طریق ابزار قانونی امکان پذیر نیست.

مردم مبارز ایران مسلماً بدل "لباس شخصیها" را نیز در مبارزه پیدا می کنند و تا حدودی کرده اند و این نه تنها آن است که تصاویر این جنایتکاران را همراه با اسم و آدرس در شبکه اینترنت منتشر می کنند و عملاً آنها را از گردونه خارج می سازند و مجبورشان می کنند که لباس نظامی به تن کنند، بلکه مردم نیز به مصداق چیزی که عوض داره گلایه نداره "لباس شخصیهای" خویش را سازمان می دهند که در پی شکار "لباس شخصیهای"ی رژیم برمی آیند.

انتشار تصاویر "لباس شخصیها" همراه با نام و مشخصات و نشانی منزل یک جنگ روانی کامل است. لباس شخصی مفروض که تا دیروز احساس امنیت فوق العاده می کرد و با گردن افراخته و سینه سپر شده راه می رفت از روز انتشار تصویرش در شبکه اینترنت خویش را در دریایی از مردم محصور می بیند. خانواده اش نیز دچار هراس هستند و باید مشقت اسباب کشی و انتقال به محل جدید را بپذیرند. آنها می دانند که "حکم قتل" آنها صادر شده است. هر بی احتیاطی آنها، هر تضعیف رژیم شالوده زندگیشان را بر باد می دهد.

این روش را باید مبارزان ایران ادامه دهند و تصاویر این افراد را تکثیر کرده و در محلات اقامت آنها توزیع نمایند. باید با ارسال نامه و انداختن شبنامه در خانه هایشان به صورت فزاینده ای آنها را تحت فشار قرار داده خواب و خوراک را از آنها بگیرند.

در کنار این روش باید مبارزان ارتش سرّی خویش را که وظیفه حمایت از تظاهر کنندگان را به عهده دارد تشکیل دهند. این ارتش مستقیماً در میان تظاهر کنندگان نیست و در میان عابرین و تماشاچیان به صورت آماده حرکت می کند. وقتی "لباس شخصیهای" حکومتی به خیال خودشان "صیدی" را تنها گیر آورده و برای کشتن و یا اسارتش هجوم می آورند و یا از پشت وی را چاقو می زنند، وظیفه این گروه حمایت برملا می شود. آنها فوراً فعال شده و در هر عملیات تاکتیکی بر حریف برتری دارند. با حمله به "لباس شخصیهای"ی حکومتی آنها را "بی خطر" نموده از صحنه بیرون می کنند. این گروههای حمایتی می توانند در چند نوبت و با چهره های جدید عمل کنند بطوریکه تاثیر غافلگیری دشمن را کاهش ندهند. این عمل در میان مردم میلیونی ممکن است ولی برای در او دسته های تعلیم دیده و چاقوکشان لباس شخصی که تعدادشان محدود است ممکن نمی باشد. قلع و قمع "لباس شخصیهای" کار چندان سختی نخواهد بود.

آنوقت "لباس شخصی ها"ی حکومتی از ترس "لباس شخصیهای"ی حامی مردم جسارت نمی کنند خود را در میان مردم پنهان کرده و بیکباره برای "شکار صید" به میدان آیند زیرا خودشان زودتر شکار می شوند. پس باید گله ای حرکت کنند. حرکت گله ای و شعبان بی مخ وار (با کمال معذرت از سلطنت طلبان و دوستداران شعبان بی مخ و

کيهان لندنی- توفان) «لباس شخصی ها» نقض غرض می شود و دست آنها را رو می کند و جنگ از حالت شبیخون به جنگ رویاروی بدل می گردد و در این جنگ مردم پیروزند.
بر گرفته از توفان شماره ۱۱۶ آبان ماه ۱۳۸۸ ارگان مرکزی حزب کارایران